

بررسی و نقد دیدگاه ویلفرد مادلونگ درباره جهان پس از مهدی عج

سید علی کاظمی^۱

چکیده

بررسی نگاه مستشرقان به مسئله مهدویت به منظور بهره‌گیری از روش‌های مطالعاتی و استفاده از زبان بین الملل و بالطبع به جهت گستردگی مخاطب، برای کارشناسان حوزه مهدویت بسیار ضروری است. در این میان بررسی دیدگاه‌های مستشرقانی چون ویلفرد مادلونگ به جهت ویژگی‌های برجسته‌ی تحقیقاتی، تأثیرگذاری بالا و آثار فراوانی که دارد، ضرورت دو چندانی پیدا می‌کند.

این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. حکومت فرزندان و برپایی قیامت دو دیدگاهی است که مادلونگ درباره جهان پس از مهدی عج مطرح می‌سازد و برپایی قیامت را موافق با اکثر روایات می‌داند. بعد از بررسی روشن می‌شود که در این زمینه چهار دیدگاه وجود دارد. هرچند دیدگاه برپایی قیامت قائلینی دارد اما دیدگاه رجعت ائمه علیهم‌السلام هنگام ظهور و حکومت ایشان بعد از امام مهدی عج موافق‌ترین نظر با روایات است.

واژگان کلیدی: مادلونگ، آخرالزمان، جهان پس از مهدی عج، رجعت

مهدویت یکی از موضوعات جذاب و مورد علاقه‌ی مستشرقان نیم قرن اخیر بوده است. در همین زمان اندک آنها در این موضوع مقالات و کتب زیادی نوشته‌اند که بررسی و نقد آنها ضروری می‌باشد؛ چرا که نوعاً از روایات اهل سنت استفاده کرده‌اند و با مبانی امامیه در این موضوع که از مختصات شیعه است، کمتر آشنایی دارند. این مسئله وقتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم دنیای امروز در واقع با نوشته‌ها و نوع نگاه، اسلام و مبانی آن را می‌شناسند.

ویلفرد مادلونگ از جمله مستشرقانی است که به جهت آثار متعدد در موضوعات مختلف و سبک خاصش در تحقیق، آثارش مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین تحقیق و بررسی دقیق و در صورت نیاز نقد آثار او بسیار ضروری است.

وی در دایرة المعارف اسلامی مدخل المهدی را نوشته که در بخشی از آن درباره جهان پس از مهدی عج سخن گفته و آن را در دو مورد خلاصه کرده است.

درباره پیشینه این بحث معرفی آثار در دو بخش صورت می‌گیرد:

بخش اول. آثار و روش‌شناسی ویلفرد مادلونگ: آثار مادلونگ به جهت داشتن ویژگی‌های خاصی مورد توجه پژوهشگران حوزه اسلامی بوده و از این رو مقالات وی ترجمه شده و مورد استفاده قرار گرفته است. آقایان جندقی، دهقانی و سعادت این مقالات را ترجمه کرده‌اند.

- کتاب مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ، اثر آقای زهیر دهقانی آرانی. در این کتاب شش مقاله مهم مادلونگ در حوزه مهدویت ترجمه و بر آن حاشیه زده شده است.

- مقاله‌ی «المهدی» و «قائم آل محمد» ترجمه‌ی آقای جندقی در فصلنامه انتظار موعود شماره ۱۰ و ۱۱ به چاپ رسیده است.

- مقاله‌ی «بررسی سنت اعتراض و جایگاه آن در فرهنگ تشیع از نگاه شرق‌شناسان مطالعه موردی ویلفرد مادلونگ» که نوشته مریم سعیدیان جزئی است.

- مقاله‌ی «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی» نوشته احمد بهشتی مهر که به معرفی و مقایسه‌ی مادلونگ با برخی از مستشرقان می‌پردازد و می‌کوشد تمایز و برتری آثار وی را نشان دهد. آثار مادلونگ درباره موضوعات مختلف است که در این زمینه نقدهایی هم بر آنها نگاشته شده است.

بخش دوم. موضوع جهان پس از مهدی: مقاله‌ی محمد شهبازیان چاپ‌شده در فصل‌نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، شماره ۴۲، با عنوان «بازنگری در روایات جهان پس از حضرت مهدی عجل از منظر شیعه» است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و پس از جبران نواقص مطالعات قبلی اعم از عدم ارائه کامل نظریات و عدم نقد کامل دیدگاه‌های دیگر، رجعت ائمه علیهم‌السلام و حکومت ایشان را اثبات و از این رهگذر استدلال برخی جریان‌های مدعی را باطل کرده است. در اینجا از مقاله‌ای با عنوان «جهان پس از امام مهدی علیه‌السلام از دیدگاه روایات» نگارش خانم منیره قضاوی چاپ‌شده در شماره ۳۲ فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود نیز می‌توان نام برد.

معرفی ویلفرد مادلونگ و آثارش

ویلفرد مادلونگ (Wilferd Madelung) یکی از برجسته‌ترین شیعه‌شناسان غربی است که شناخت سبک کار و نوع پژوهش وی بسیار مهم است. او را در غرب، «شیخ تمام شاخه‌های شیعه‌شناسی» می‌خوانند (۱۷: ۲۰۰۱، Schmidtke) و حتی امروزه شاگردان او از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین شیعه‌شناسان دوره معاصر به شمار می‌آیند. وی مقام استادی کرسی لادیان در [زبان] عربی و مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد را دارد و عضو ارشد مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن است.^۱

مادلونگ یکی از شخصیت‌های پرکار و پرنویس و شیعه‌شناسی قابل در میان مستشرقان است که حدود دویست کتاب و مقاله در نشریات علمی و دایرة‌المعارف‌ها نوشته یا تصحیح کرده که عمده آثار علمی او مقالاتش می‌باشند. همین آمار آثار او در کنار سبک ویژه‌ای که در پژوهش خود دارد، او را به یکی از برترین و اثرگذارترین شیعه‌شناسان معاصر تبدیل کرده و حتی در جوامع شیعی برخی از آثار وی مورد پذیرش قرار گرفته است. مهم‌ترین عامل موفقیت ایشان در توجه ویژه‌ی او به نکات روش‌شناسانه و تحقیقات روشمند است.

۱. بهشتی مهر و تقی‌زاده داوری، «بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی»، ص ۲۳-

سبک‌شناسی

همان‌گونه که بیان شد، سهم برجسته‌ای از موفقیت مادلونگ در سبک خاصی است که ایشان دارد. سبک کاری این مستشرق آلمانی در تحقیقات، این است که به پدیده‌ها با نگاهی کاملاً تاریخی نگریسته است. او بر خلاف بسیاری از مستشرقان، در تحقیقات خود نکات مثبت فراوانی دارد که وی را از دیگران متمایز ساخته و آثار او را تا حدودی به آثاری قابل قبول تبدیل کرده است؛ هر چند در مواردی ضعف‌هایی هم مشاهده می‌شود. از نقاط مثبت روش او می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱. استفاده از منابع معتبر و درست اول؛

۲. تفکیک میان منابع شیعه و سنی؛

۳. تفکیک منابع امامی از منابع فرقه‌های دیگر شیعه؛

۴. تفکیک منابع به لحاظ موضوعی (کلامی، تفسیری، حدیثی)؛

۵. استفاده از منابع پرشمار؛

۶. شناخت عالمان و متکلمان برجسته شیعه؛

۷. نگاه جامع و نظام‌مند به تشیع؛

۸. استفاده از منابع مستشرقان.

از میان مستشرقانی که درباره شیعه کار کرده‌اند، کمتر کسی راه درست آن را پیموده است؛ چراکه آنها غالباً برای این منظور به سراغ منابع عام اسلامی رفته‌اند که در بسیاری از آنها نگاه درست و دقیقی به شیعه وجود ندارد؛ برای نمونه سید حسین نصر در مقدمه کتاب شیعه در اسلام می‌نویسد:

وانگهی تقریباً تمام منابع اروپاییان در تحقیقاتی که درباره اسلام انجام می‌گیرد از منابع اهل تسنن است و هرگاه از قرآن و حدیث و سیره نبوی و فقه و کلام سخن به میان می‌آید، معمولاً مقصود همان نظر اهل سنت و جماعت است، حتی اگر این نظر نیز بیشتر تحریف یافته و مغرضانه بیان شده است، در آثار موجود به زبان‌های اروپایی، تشیع به صورت یک فرقه فرعی معرفی شده و تمام دید و علت وجودی آن به یک نزاع صرفاً سیاسی و اجتماعی تقلیل یافته و کمتر به علل دینی که باعث پیدایش شیعه گردید، توجه شده است، حتی در تحقیقات درباره شیعه به طور کلی باز سهم اساسی از آن اسماعیلیه است و شیعه دوازده امامی حتی به

اندازه مکتب اسماعیلی مورد نظر قرار نگرفته است.^۱

اما با بررسی آثار ویلفرد مادلونگ به این نکته می‌توان پی‌برد که وی نسبت به اکثر مستشرقان، در تحقیقات خود کمتر دچار این اشتباه بزرگ شده است؛ چراکه او نگاه ویژه‌ای به منابع کهن و اصلی شیعه داشته و با تفکیک مبنایی آثار بزرگان شیعه آشنا بوده است؛ برای نمونه در کتاب مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه از آثار نویسندگان ذیل بهره برده است: شش کتاب از شیخ صدوق، دو کتاب از شیخ مفید، شش کتاب از سید مرتضی، پنج کتاب از شیخ طوسی، چهار کتاب از قاضی نعمان، سه کتاب از کشی، سه کتاب از محقق حلی، دو کتاب از شیخ حر عاملی و آثار دانشمندان برجسته شیعی مانند کلینی، نجاشی، نوبختی، سعد بن عبدالله اشعری، یعقوبی، قاضی نورالله شوشتری، علامه مجلسی و دیگران. یا در مقاله‌ای که در موضوع عصمت نوشته است، بر خلاف دیگران به صورت گسترده از منابع شیعی همچون آثار شیخ مفید و سید مرتضی استفاده کرده است.

سید حسین نصر درباره علت برداشت نادرست مستشرقان از شیعه می‌نویسد:

شاید سوابق تاریخی مغرب زمین علت اصلی این محدودیت باشد. غرب تاکنون دو بار با اسلام تماس مستقیم داشته است: با اعراب در اندلس و صقلیه (سیسیل) و با اتراک در شرق اروپا. در هر دو مورد تماس با اسلام به صورت سنی آن بود و رابطه با تشیع محدود به روابط نسبتاً سری و محدود با برخی حوزه‌های اسماعیلی در فلسطین در جنگ‌های صلیبی و شاید در برخی مراکز اندلس گردید.^۲

با همه‌ی این نکات مثبتی که در سبک کاری مادلونگ وجود دارد، باز هم در بسیاری از موارد یا زود نتیجه‌گیری کرده و یا در برخی از موارد به درستی نتیجه‌گیری نکرده است.

مادلونگ و مهدویت

مادلونگ در موضوع مهدویت و موضوعات مرتبط با آن مقالاتی دارد که از آن جمله می‌توان موارد ذیل را نام برد: ۱. «مدخل المهدی»: مادلونگ در این مقاله که در دایرة المعارف اسلام^۳ به چاپ

۱. طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۱۳.

۳. دایرة المعارف مذکور یکی از کاملترین و معتبرترین دایرةالمعارف‌های موجود در جهان غرب به شمار می‌رود که با محوریت اسلام و عقاید و آرای فرق مختلف اسلامی به نگارش در آمده و به دفعات متعدد تجدید چاپ شده است.

رسیده است، به بررسی تاریخی این واژه و کسانی که در طول تاریخ اسلام این اسم برای آنها به کار رفته، پرداخته است. این مقاله نشان‌دهنده دو نکته مهم است: یکی اینکه فرهیختگان و دانشمندان غربی با منابع معتبر شیعه آشنایی کافی ندارند و بیشتر به برخی منابع اهل سنت رجوع می‌کنند؛ دیگر اینکه علما و حوزه‌های شیعی برای معرفی شیعه و مبانی اعتقادی آن به فرهیختگان و دانشمندان جهان، چه مسئولیت سنگینی پیش‌رو دارند.^۱

۲. «مدخل قائم آل محمد»: در این مدخل از دایرة المعارف اسلام، بعد از بررسی تاریخی آن، به کلیاتی از اعتقادات و باورهای شیعه در مورد امام زمان عجل الله فرجه اشاره کرده است.

۳. «مدخل سفیانی در دایرة المعارف اسلامی»: در این مدخل به پیشینه تاریخی سفیانی و برخی روایات در این زمینه می‌پردازد.

۴. «مقایسه سفیانی در سنت و تاریخ»: یکی از آثاری که می‌توان آن را اثری مفصل در مورد سفیانی دانست، همین مقاله‌ی مادلونگ است که در آن بعد از بررسی آثار مستشرقان درباره سفیانی، روایات موجود در مورد سفیانی در کتاب الفتن نعیم بن حماد را نقد و بررسی کرده است.

۵. «عبدالله بن زبیر و مهدی»: این مقاله نقد و بررسی چند روایت درباره ارتباط مهدی با عبدالله بن زبیر است که مادلونگ همه را ساخته‌ی طرفداران او می‌داند.

۶. «پیشگویی‌های آخرالزمانی در حمص در عصر بنی‌امیه»: این مقاله به دنبال نقد و بررسی پیشگویی‌های آخرالزمانی‌ای است که در حمص اتفاق افتاده است. حمص در دوران بنی‌امیه به مدرسه حدیثی قوی تبدیل شد که عموماً روایات آنها هم در جهت تقویت بنی‌امیه شکل می‌گیرد و عموماً بر مخالفت با امام علی علیه السلام می‌باشند.

۷. «ولایت در شیعه اثنی عشری در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام»: در این مقاله به ولایتی که از طرف خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد از آن به ائمه علیهم السلام داده شده، می‌پردازد و به این ولایت در عصر غیبت و نظرهای موجود در این باره اشاره می‌کند.

از آثار یادشده به جز مورد آخر، موارد دیگر در کتاب مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ تألیف آقای زهیر دهقانی آرانی همراه با حواشی مهم بر مباحث آن، ترجمه شده است. همچنین شایان ذکر است که مادلونگ در حوزه مهدویت آثار دیگری نیز دارد که به مهم‌ترین آنها اکتفا شد. برای آشنایی با دیگر

۱. جندقی، «مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی»، دائرة المعارف اسلام چاپ کمبریج، ص ۱۲۳-۱۴۸.

آثار مهدوی وی، می‌توان به کتاب یاد شده رجوع شود.^۱

جهان پس از مهدی علیه السلام

مادلونگ در مقاله «قائم آل محمد»^۲ که به قسمتی از معارف و اعتقادات شیعه در مورد امام عصر علیه السلام پرداخته، در زمینه‌ی جهان پس از مهدی علیه السلام می‌نویسد:

اگرچه برخی روایات از حکومت فرزند قائم سخن می‌گویند، اما اکثر آنها تصریح می‌کنند که پس از رحلت قائم تا قیامت و روز رستاخیز فقط چهل روز نا آرامی خواهد بود.^۳

منظور مادلونگ از روایات حکومت فرزندان قائم، همان روایاتی است که در دیدگاه سوم بررسی خواهیم کرد. ایشان می‌گویند اکثر روایات این باب تصریح به قیامت پس از رحلت قائم دارد که از این سخن فهمیده می‌شود به نوعی دیدگاه وی نیز همین باشد که آنچه در جهان پس از مهدی علیه السلام رخ خواهد داد همین است. در ادامه، روایات و دیدگاه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، ذکر خواهد شد.

دیدگاه‌های مختلف در زمینه جهان پس از مهدی

درباره جهان پس از وفات حضرت مهدی علیه السلام در میان عالمان و صاحب نظران در عرصه‌ی مهدویت، این دیدگاه‌ها وجود دارد:

۱. پنجاه سال هرج و مرج؛

۲. وقوع قیامت؛

۳. استمرار حکومت توسط فرزندان حضرت (مهدیون)؛

۴. رجعت ائمه علیهم السلام و ادامه حکومت توسط ایشان.

هر یک از دیدگاه‌های چهارگانه در میان قدما و معاصرین قائلینی دارند که نیاز به تحلیل و بررسی است. در اینجا این موارد را به اختصار بررسی و سعی می‌کنیم به نظریه‌های دوم و سوم که مادلونگ مطرح کرده، بیشتر بپردازیم.

۱. ر.ک: دهقانی آرانی، مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ، ص ۱۲.

۲. جندقی، «مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی»، دائرة المعارف اسلام چاپ کمبریج، ص ۲۰۱-۲۰۵.

3. Although some traditions speak of the reign of a son of the Kaim, the majority affirm that there will be only forty days of turmoil after the passing of the Kaim until the Resurrection and the Judgment.

«سپس آشوب می‌شود»، خود روشن‌ترین دلیل است بر آنچه در روایات پیوسته آمده که پس از سپری شدن زمان قائم علیه السلام پنجاه سال آشوب روی خواهد داد...^۱

با توجه به ضعف سند این روایات و ناسازگاری آنها با باورهای شیعه، در توضیح این دسته از روایات می‌توان گفت محتوای هرج و مرج پس از دوران حضرت مهدی علیه السلام موافق عقاید اهل سنت است و نمی‌توان آن را در میان شیعیان به عنوان نظری قابل اعتنا شمرد. لذا ممکن است جناب نعمانی رحمته الله نیز این بیان را صرفاً در تأیید حکومت مجدد امام حسین علیه السلام و حضرت علی علیه السلام ذکر کرده باشد. پس نعمانی رحمته الله این نظریه را به عنوان نظریه مختار خویش مطرح نکرده است. با توجه به آنچه گذشت، عدم صحت این نظریه را می‌توان پذیرفت.

وقوع قیامت

دیدگاه پایان یافتن عمر دنیا و وقوع قیامت پس از وفات حضرت مهدی علیه السلام قائلینی دارد؛ برای نمونه طبرسی در این زمینه این‌گونه می‌نویسد: «وقت وفاته یکون قبل القيامة بأربعین يوماً...؛ وقت وفات مهدی چهل روز قبل از قیامت است»^۲. علامه جوادی آملی^۳ و بزرگان دیگری همچون شیخ مفید همین دیدگاه را دارند که در پایان ذکر خواهد شد. در میان اهل سنت نیز صاحب کتاب عقد الدرر می‌گوید:

و هي أدل دليل على انقضاء الأيام المهدية، سقى الله عهدا، ثم لا خير في عيش الحياة بعدها و ليس بينها و بين النّفخة الأولى مدّة: سپس خیری در زندگی پس از مهدی نیست و بین زندگی پس از مهدی و بین نفخه اولی (قیامت) زمانی نیست.^۴

شیخ صدوق نیز حتی بدون تعیین طرفی، در مقام قطعیت اثنی عشر بودن ائمه می‌فرماید:

...ثم يكون بعده ما يذكره من كون إمام بعده أو قيام القيامة و لسنا مستعبدین في ذلك إلا بالإقرار باثني عشر إماما...؛ او تکلیف بعد از خود را بیان می‌کند که آیا حجتی بعد از او خواهد بود یا قیامت بر پا می‌شود. ما تکلیفی نداریم، جز اعتقاد به دوازده امام.^۵

۱. همان، ص ۱۰۷.

۲. طبرسی، تاج الموالید، ص ۱۱۶.

۳. ر. ک: جوادی، امام مهدی موجود موعود، ص ۲۷۰.

۴. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، ص ۳۱۸.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۷۷.

مرحوم کلینی رحمته الله در کافی روایت صحیح‌های را نقل می‌کند که در آن به خالی بودن زمین از حجت الهی به مدت چهل روز قبل از قیامت اشاره دارد:

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ جَمِيعًا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْخَمِيرِيِّ قَالَ: اجْتَمَعَتْ أَنَا وَ الشَّيْخُ أَبُو عَمْرٍو رحمته الله عِنْدَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ. فَعَمَّرَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا عَمْرٍو إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ وَ مَا أَنَا بِشَاكٍ فِيْمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهُ فَإِنَّ أَعْتِقَادِي وَ دِينِي أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا إِذَا كَانَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا...؛ حمیری گوید: من و شیخ ابو عمرو (عثمان بن سعید عمری نایب اول) رحمته الله نزد احمد بن اسحاق گرد آمدیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد که راجع به جانشین (امام حسن عسکری رحمته الله) از شیخ بپرسم. من به او گفتم، ای اباعمر، من می‌خواهم از شما چیزی بپرسم که درباره آن شک ندارم؛ زیرا اعتقاد و دین من این است که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی‌ماند، مگر چهل روز پیش از قیامت...^۱

همان‌گونه که گذشت، مادلونگ قائل بود اکثر روایات بر وقوع قیامت بعد از وفات امام مهدی رحمته الله دلالت دارد؛ اما معلوم نیست ایشان این روایات کثیر را از کجا ذکر کرده است. به احتمال قوی این سخن را از شیخ مفید گرفته باشد که شیخ در این زمینه می‌نویسد:

وَ أَكْثَرُ الرَّوَايَاتِ أَنَّهُ لَنْ يَمُوتَ مَهْدِيٌّ رحمته الله هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا قَبْلَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا يَكُونُ فِيهَا الْهَرَجُ...؛ و در بیشتر روایات است که مهدی این امت از دنیا نرود، مگر چهل روز پیش از قیامت و در آن چهل روز فتنه و آشوب شود.^۲

در سخن احمد بن اسحاق که در کافی آمده هرچند سخن از خالی نبودن زمین از حجت تا چهل روز قبل وقوع قیامت است، اما اولاً که این سخن سخن امام نبوده و سخن احمد بن اسحاق است و ثانیاً از این روایت مشخص نمی‌شود که آن حجت آخر کیست. از طرفی شیخ مفید نیز با اینکه بیان می‌کند اکثر روایات بر این دیدگاه دلالت دارد؛ اما در ادامه عبارتی می‌آورد که گویی برای ایشان هم قطعیت این دیدگاه ثابت نیست. ایشان در ادامه می‌نویسد: « وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكُونُ وَ هُوَ وِلِيُّ التَّوْفِيقِ لِلصَّوَابِ...؛ و خدا داناتر است به آنچه خواهد شد و توفیق و صواب به دست او است».^۳

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت ممکن است بعد از امام مهدی رحمته الله حکومت ایشان به دست

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳. همان

ائمہ علیہم السلام ادامه داشته باشد تا قبل از قیامت و چهل روز قبل از قیامت هرج و مرج رخ دهد. پس این دیدگاه هم قطعی نیست.

استمرار حکومت به دست فرزندان امام مهدی علیه السلام

مادلونگ با بیان این نکته که «اگرچه برخی روایات از حکومت فرزند قائم سخن می‌گویند...» یکی از احتمالات در مورد جهان پس از مهدی را حکومت فرزندان حضرت معرفی کرده است. این بیان را هم از شیخ مفید گرفته است، آنجا که شیخ در الارشاد می‌نویسد:

وَ لَيْسَ بَعْدَ دَوْلَةِ الْقَائِمِ لِأَحَدٍ دَوْلَةٌ إِلَّا مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّوَايَةُ مِنْ قِيَامِ وُلْدِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَرِدْ بِهِ عَلَى الْقَطْعِ وَ الثَّبَاتِ؛ و پس از دولت قائم علیه السلام برای هیچ کس دولت و سلطنتی در زمین نخواهد بود، جز آنچه در روایات آمده که اگر خدا بخواهد فرزندان آن حضرت پس از او سلطنت کنند و به طور قطع در این باره روایتی نرسید.^۱

بررسی این دیدگاه از این منظر اهمیت بیشتری دارد که برخی از مدعیان دروغین با استناد به همین روایات در صدد اثبات ادعای خود هستند؛ کسانی همچون احمد اسماعیل بصری که بیشتر ادعای خود را بر پایه‌ی همین روایات مطرح می‌کند.

مهم‌ترین دلیلی که برای این نظریه می‌توان ارائه نمود حدیث وصیتی است که شیخ طوسی رحمته الله آن را در کتاب شریف الغیبه خود بدین شکل نقل کرده است:

...فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلْمَهَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُسْتَحْفَظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا (فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ) فَلْيَسَلْمَهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقَرَّبِينَ لَهُ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءِ اسْمِ كَا سِمِي وَ اسْمِ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِيُّ هُوَ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ...؛ و زمانی که مرگ او فرا رسید، آن را به فرزندش [محمد] که حافظ شریعت و آل محمد است، بسپارد. این دوازده امام بود، بعد از ایشان دوازده مهدی خواهد بود. پس وقتی که زمان رحلت امام دوازدهم رسید، جانشینی من را به فرزندش که اولین و برترین مقربین است، تسلیم نماید و او سه نام دارد: یک نامش مانند نام من است و نام دیگرش مثل نام پدر من

است و آن عبدالله و احمد است و سومین نام او مهدی خواهد بود و او اولین مؤمنان است.^۱

نظر عالمان شیعه پیرامون این دسته از روایات:

شیخ حر عاملی رحمته الله بعد از نقل این روایات می‌نویسد:

اما احادیثی که می‌فرماید بعد از مهدی علیه السلام دوازده نفر امام دیگرند و روایاتی که در این زمینه وارد شده، دلالت قطعی ندارد. در روایات بسیاری هم وارد شده که ائمه دوازده نفرند و دولشان تا قیامت ادامه دارد و دوازدهمین، آخر اوصیا و امام‌ها و جانشینان است و ائمه تا قیامت از اولاد حسین علیه السلام هستند و اگر بر ما لازم بود که به امامت دوازده نفر بعد از آنها (که در روایات دیگری وارد شده) اقرار کنیم، باید حدیث‌های متواتری هم در این باره باشد که در برابر حدیث‌های معارض بتواند مقاومت کند و ملاحظه جمع بین آنها بشود.^۲

سید محمد صدر رحمته الله در کتاب تاریخ ما بعد الظهور از نظریه حکومت فرزندان مهدی _ به صورت احتمال نه قطع و یقین _ دفاع نموده است،^۳ اما در کتاب بعدی خود با عنوان بحث حول الرجعة پس از تحقیقاتی به نتیجه رسیده است که سخن قبل اشتباه بوده و پس از حضرت مهدی علیه السلام حکومت در اختیار ائمه علیهم السلام گذشته قرار خواهد گرفت.^۴

نتیجه‌ی آنچه گذشت، این است که این دیدگاه نیز از لحاظ ادله بسیار ضعیف می‌نماید.

رجعت ائمه علیهم السلام

مادلونگ در موضوع جهان پس از مهدی علیه السلام به رجعت و حکومت ائمه‌ی رجعت‌کننده‌ی بعد از ایشان اشاره‌ای نکرده است. ممکن است علت عدم اشاره او به رجعت، اثرپذیری ایشان از دیدگاه تند اهل سنت در موضوع رجعت باشد. به اختصار چند نکته درباره رجعت را بیان می‌کنیم.

۱. طوسی، الغیبه، ص ۱۵۱. برای بررسی و تحلیل تفصیلی سند و دلالت این روایت به کتاب ره افسانه نوشته محمد شهبازیان (ص ۱۲۲-۱۸۰) رجوع شود.
۲. عاملی، الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، ص ۴۰۱.
۳. صدر، تاریخ الغیبة الصغری، ج ۳، ص ۶۴۳.
۴. صدر، بحث حول الرجعة، ص ۲۷-۳۰. (ان يتولى الامر بعده أبأوه الاثمه المعصومون و رجوعهم الى الحياة بعد الموت ليحكموا العالم بعد المهدي...)

۱. مفهوم‌شناسی رجعت

«رجعت» در لغت، به معنای «بازگشت و تکرار» است؛^۱ یعنی برگشتن به جایی که پیشتر در آنجا بوده است، اما در اصطلاح مهدویت، «رجعت» عبارت است از بازگشت دو گروه از مردگان (مؤمنان محض و کافران محض) به صورت‌های پیشین خود، پس از ظهور حضرت مهدی عج، تا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل، دلشاد کردند و کافران از فرومایگی و پستی ستمگران، دلگیر شوند.

۲. رجعت از دیدگاه شیعه

طبق آنچه آقا بزرگ تهرانی رحمته در الذریعه آورده است؛ بیست تن از بزرگان شیعه درباره رجعت تألیف خاصی با عنوان «اثبات الرجعه» دارند.^۲

روایات زیادی از اهل بیت علیهم السلام درباره رجعت به دست ما رسیده که نشان می‌دهد رجعت در مجموع معتقدات شیعه، از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. برخی آن را از معتقدات مسلم و حق می‌دانند: «اعتقادنا في الرجعة أنّها حق»^۳ و برخی دیگر آن را از اعتقادات مورد اتفاق امامیه شمرده‌اند؛ مثلاً شیخ مفید رحمته می‌نویسد: «و اتفقت الإمامية على وجوب رجعة كثير من الأموات إلى الدنيا قبل يوم القيامة: اماميه اتفاق بر رجعت عدهی زیادی از اموات به این دنیا قبل از روز قیامت دارند».^۴

ادله رجعت

علامه محمدتقی مجلسی (مجلسی اول) در کتاب روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه می‌نویسد:

قال الصادق ليس منا و من شيعتنا من لم يؤمن بكرتنا» أي برجوعنا في الرجعة الصغرى عند قيام القائم ... و قد قال الله «و يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا»^۵ و ورد الأخبار المتواترة من النبي و الأئمة فيها، و كتب أكثر محدثينا كتابا مفردا في ذكر الأخبار الواردة فيها...؛ امام صادق عج فرمودند: از ما و از شیعیان ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان نیاورد. خداوند متعال می‌فرماید: «به یاد آور روزی را که ما از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۹۰.

۲. آقا بزرگ، الذریعه، ج ۱، ص ۹۱.

۳. صدوق، الاعتقادات، ص ۶۰.

۴. مفید، اوائل المقالات، ص ۴۶.

۵. سوره نمل، آیه ۸۳.

تکذیب می‌کردند، محشور می‌کنیم» و اخبار متواتر از پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت  و ائمه اهل بیت  وارد شده است و اکثر محدثین شیعه در این زمینه کتابی نگاشته‌اند.^۱

۱. زمان رجعت

شایان ذکر است که بزرگانی چون شیخ مفید رحمته الله علیه زمان وقوع رجعت را همزمان با ظهور دانسته‌اند. ایشان در این زمینه می‌نویسد: «القول في الرجعة: ... و ذلك عند قيام مهدي آل محمد عليه السلام». ^۲ نتیجه آنکه شیعه با ادله قرآنی و روایی، رجعت را یک حقیقت انکارناپذیر می‌داند. زمان وقوع این رجعت، همزمان با ظهور است، بر خلاف آن دسته از بزرگان که معتقدند بعد از وفات حضرت مهدی عليه السلام قیامت به پا خواهد شد. بسیاری از بزرگان به استناد همین روایات متواتر، قائل به حکومت ائمه اهل بیت عليهم السلام بعد از وفات ایشان هستند که با توجه به کثرت روایات این باب می‌توان این دیدگاه را از لحاظ ادله بر دیگر نظرات برتری داد. لازم به ذکر است که بخاطر کثرت روایات در باب رجعت، ادله و جزئیات آن و همچنین طولانی شدن و خارج شدن از موضوع، از ذکر آنها گذشته و خواننده محترم را به کتب حدیثی در این باب رهنمون می‌شویم.

نتیجه

مادلونگ یکی از مستشرقان پرتلاش و پرکار در عرصه‌ی اسلام‌شناسی است که آثار فراوانی دارد و در موضوع مهدویت نیز دارای تحقیقاتی است. در یکی از این تحقیقات، وی درباره جهان پس از مهدی بحث کرده است. او با اشاره به وجود روایات در این زمینه، دو دیدگاه «حکومت فرزندان» و «برپایی قیامت بعد از چهل روز آشوب» را مطرح می‌کند که ادله‌ی دیدگاه دوم را مورد قبول دانسته است، اما با بررسی بیشتر روشن می‌شود که پیرامون جهان پس از حضرت مهدی عليه السلام با توجه به روایات موجود در این موضوع چهار دیدگاه مطرح است:

۱. مجلسی اول، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۸، ص ۴۵۳.

۲. مفید، أوائل المقالات، ص ۷۷.

۱. دیدگاه نخست دیدگاه هرج و مرج پنجاه ساله است که به دلیل عدم اتقان روایت و موافق نظریه‌ی اهل سنت بودن، پذیرفته نمی‌شود؛
۲. دیدگاهی که قیامت را بیان می‌کند، به دلیل نبود روایت معتبر در مصادر، رد می‌شود؛
۳. حکومت فرزندان (مهدیون) که دیدگاه سوم است نیز پذیرفته نیست؛ به دلیل نبود روایت معتبری که به این معنا دلالت کند، بلکه در روایات دیگر، مهدیون را افرادی مبلّغ در زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی کرده است که حاکمیت و امامت ندارند؛
۴. اما چهارمین دیدگاه، نظریه رجعت است که دارای روایت‌های متواتر است و می‌توان آنها را بر دیگر روایات ترجیح داد.

منابع

قرآن

۱. ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم، **الغیبة (للنعمانی)**، جلد ۱، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، **الذریعة إلى تصانیف الشیعة**، ۲۶ جلد، لبنان، بیروت، دار الأضواء، چاپ ۳، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۴. بهشتی مهر، احمد و محمود تقی‌زاده داوری، **بررسی روش‌ها و ویژگی‌های پژوهشی ویلفرد مادلونگ در مطالعات شیعی**، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۶۰، تابستان ۱۳۹۳.
۵. جندقی، بهروز، **قائم آل محمد**، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۱-۱۲، بهار ۱۳۸۲.
۶. _____، «مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی دایره‌المعارف اسلام چاپ کمبریج (۱)» فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۰، زمستان ۱۳۸۱.
۷. جوادی آملی، عبدالله، **امام مهدی موجود موعود**، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سیزدهم، بهار ۱۳۹۶ش.
۸. عاملی، محمد بن حسن، «**الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة**»، جلد ۱، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۹. دهقانی آرنی، زهیر، **مهدویت در آثار ویلفرد مادلونگ**، جلد ۱، قم، مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، پاییز ۱۴۰۰.
۱۰. شهبازیان، محمد، **ره افسانه نقد و بررسی فرقه یمانی بصری**، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، چاپ نهم، ۱۳۹۷.
۱۱. شهبازیان، محمد و عزالدین رضائزاد، **بازنگری در روایات جهان پس از حضرت مهدی از منظر شیعه**، فصل‌نامه مشرق موعود، ش ۴۲، تابستان ۱۳۹۶.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، **الاعتقادات**، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۳. _____، **کمال الدین و تمام النعمة**، ۲ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۵۹ش.

۱۴. صدر، محمد، «تاریخ الغيبة الصغرى»، ۴جلد، دار التعارف للمطبوعات، لبنان، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۵. _____، بحث حول الرجعة، بیروت، دار مکتب البصائر، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، شیعہ در اسلام، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۸ ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، تاج المواید، بیروت، دار القار، ۱۴۲۲ ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، الغيبة (للطوسی)، کتاب الغيبة للحجة، ۱جلد، قم، دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۸جلد، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. مجلسی اول، محمدتقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ۱۴جلدی، قم، بنیاد کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوارالجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱جلد، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۲. مفید، محمد بن محمد، أوائل المقالات، ۱جلد، قم، دار المفید، چاپ اول، ۱، ۱۴۱۳ق.
۲۳. _____، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ۲جلد، قم، دار المفید، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۲۴. مقدسی شافعی سلمی و یوسف بن یحیی، عقد الدرر في أخبار المنتظر، ۱جلد، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، ۱۴۲۸ق.

